«گولاچو» برنامه طنز رادیو نمایش شد

از این پس هر صبح، شنونده برنامه طنز رادیویی «گولاچو» از آنتن شبکه رادیویی نمایش باشید. به گزارش روابط‌عمومی رادیو نمایش، سجاد گلبادی‌نژاد تهیه‌کننده برنامه گولاچو ضمن اعلام این مطلب افزود: این برنامه شاد صبحگاهی رویکرد طنز اجتماعی دارد و معنای اسم آن یک نان شیرینی محلی سمنان است و آیتم‌های ما بر اساس مواد لازم این نان تقسیم‌بندی شده‌اند تا ذائقه مخاطب را شیرین کنند.

گلبادی‌نژاد تأکید کرد: این آیتم‌ها شامل داستان‌های قدیمی و موضوعات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، ورزشی، علمی، گزارشی، حواشی فضای مجازی و شوخی با خبرهای روز است. حمید پارسا، فائزه مصطفی‌لو و سوگند ایرانمنش نویسندگان، امیر زنده‌دلان سرپرست نویسندگان، نازنین مهیمنی و پیمان قریب‌پناه گویندگان، حمید شاهی، امیرعضد و امیر زنده‌دلان آیتم‌سازان، یاسر کتابیان ارتباطات، مائده علاقه‌مند گزارشگر، مهدی خانزاده هماهنگی و سجاد کلبادی‌نژاد تهیه‌کننده برنامه طنز گولاچو هستند که هر روز ساعت ۷ صبح به صورت زنده از رادیو نمایش پخش می‌شود.

عکس: عارف طاهرکناره

... و فرزندش امیرحسین انصافی و همسرش فروغ یزدان

... خانواده شاد

... تار در تلویزیون خلق کردند و با ... مردم بازکنند. عبدلی شخصیت ... طلبی قرار داشت که تقابل این دو ... شده و پس از ۳۰ سال هنوز هم ... یگری هم حضور داشته و ایفاگر ... کنارش دو پسرش امیرمحمد و امیرحسین نیز قدم در مسیر پدر گذاشته‌اند و بازیگری و موسیقی جزو لاینفک زندگی‌شان شده است و سال‌هاست مانند پدر در تئاتر و تلویزیون فعالیت می‌کنند. از طرفی فروغ یزدان به‌عنوان مادر خانواده نیز دوشادوش همسر و فرزندانش در عرصه هنر فعالیت می‌کند و به‌گفته خودش عروسک‌های نمایش‌های همسرش را می‌سازد و لباس‌های نمایش او و پسرانش را می‌دوزد.

چندی پیش میزبان این خانواده هنرمند در جام جم شدیم و آنها از خاطرات سال‌ها زندگی با هنر و هنرمند گفتند. از علاقه‌شان به ادبیات و آداب و رسوم ایرانی و این‌که سعی دارند نمایش‌های سنتی و ایرانی را زنده نگه دارند که ماحصل آن را در ادامه می‌خوانید. در گفت‌وگوی ما با این خانواده گرم و هنرمند همراه شوید.

خانه آب‌نباتی

از فعالیت های اخیرتان بگویید که مشغول به چه کاری هستید؟

پسر: برنامه «شهرک رنگین» را در حال تولید داریم که در کنار برنامه رنگین‌کمان پخش خواهد شد و همه بچه‌های همان گروه در این برنامه هم حضور دارند. البته یکی دو صداپیشه و بازیگر هم به برنامه اضافه شده‌اند. برنامه شبکه‌کوچک را هم ضبط می‌کنیم که برای شبکه تولید می‌شود. برنامه «کارگاه اسباب بازی‌ها» را هم در شبکه هدهد دارم که روی آنتن است.

پدر: من هم فقط خانه آب‌نباتی را در شبکه پویا دارم که هر روز پخش می‌شود که نقش پدربزرگ را من بازی می‌کنم و نقش مادربزرگ را خانم مقصودلو ایفا می‌کند. یکی از نکات مثبتی که این کار برای من داشت این بود که می‌توانستیم موسیقی ایرانی را در این برنامه داشته باشیم.

لطف دوستان نویسنده هم تا این حد بود که در متن می‌نوشتند: موسیقی که خود انصافی تشخیص می‌دهد. یعنی من آزادی عمل داشتم و خودم می‌توانستم هر موسیقی که مناسب فضاست اجرا کنم. حتی سعی‌مان این بود بازی‌های قدیمی را به بچه‌ها در این برنامه یاد بدهیم.

بازی‌هایی که شاید اصلا آشنایی با آنها نداشته باشند و باعث تحرک بچه‌ها شود. چون در دنیای امروز متاسفانه بچه‌ها تحرک کمی دارند و این اصلا خوب نیست. در گذشته این طور نبود و بچه‌ها تحرک داشتند و بازی‌هایی می‌کردند که مدام در آنها حرکت بود؛ در صورتی که سبک زندگی بچه‌های امروزی کاملا عوض شده‌است.

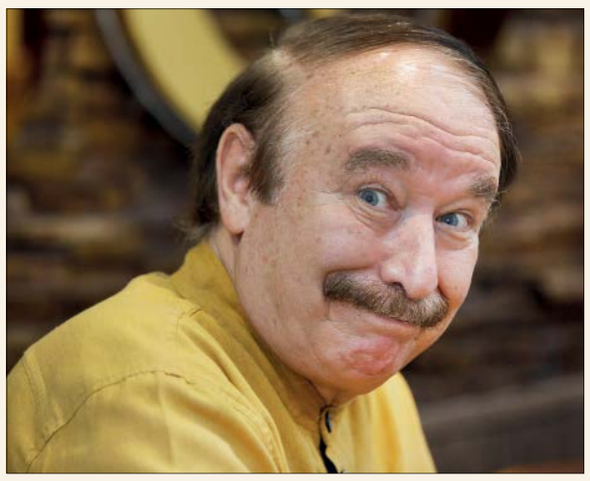

آشنایی عبدلی و اوستا

آشنایی شما با امیر پارسی تصادفی بود که بعدها تبدیل به زوج هنری شدید یا همکار بودید؟

پدر: من در دوران جوانی با آقای پارسی (اوستا) در کاخ جوانان مرکزی آشنا شدم. یعنی جایی که الان به نام کانون شهید مفتح است.

من در آنجا فعالیت می‌کردم و یک تیم در آنجا درست کرده بودم که آن بچه‌ها هنوز هم با من هستند. آقای پارسی به دلیل این‌که زبان خوب می‌دانست، در گروه روابط بین‌الملل و تفریحات بود. من از او خواستم بیاید و نمایش بازی کند و او هم اصرار داشت که نمی‌تواند. با اصرار من آمد و اولین نقشی که با ایشان دادم، نقش غلام انگوری بود.

یعنی غلامی که بالای سر پادشاه می‌ایستاد و چوب بلندی در دست داشت که به آن انگور بود، باعث خنده تماشاچی‌ها شد و بازی‌اش دیده شد. یعنی حتی نقش کوچک هم می‌تواند دیده شود و جای خودش را باز کند، اگر خوب بازی شود. بعد از آن بود که آقای پارسی به این کار علاقه‌مند شد. چون فکر نمی‌کرد این نقش تا این حد دیده شود و مردم را بخنداند. بعد از انقلاب هم کلی برنامه خاص با هم داشتیم.

جواد انصافی: آقای پارسی (اوستا) به دلیل این‌که زبان خوب می‌دانست، در گروه روابط بین‌الملل و تفریحات بود. من از او خواستم بیاید و نمایش بازی کند و او هم اصرار داشت که نمی‌تواند. با اصرار من آمد و اولین نقشی که با ایشان دادم، نقش غلام انگوری بود

دغدغه کار برای بچه‌ها

چگونه از طریق آثار نمایشی می‌توان به بچه‌ها آموزش داد؟

پدر: اتفاقا بحث ما همیشه این بود که ما می‌توانیم این فرهنگ را بین بچه‌ها جا بیندازیم؛ یعنی این نسل اگر بفهمد و درک کند در ادامه همه چیز خوب پیش می‌رود. به همین دلیل بازی در خانه آب‌نباتی را پذیرفتم. چون دوستان با شناختی که از من داشتند این کار را پیشنهاد کردند. محمد درویشعلی‌پور، نویسنده بسیار انسان خوب و باهوشی است. قرار بود ما فقط ۱۳ برنامه برای نوروز برویم که استقبال مخاطبان باعث شد برنامه ادامه داشته باشد.

پسر: بابا در سال‌های اخیر چند تئاتر هم برای کودک کار کرد که از کودکان با استعداد هم در این تئاترها استفاده شد.

یک خواهش از دولت جدید

چه درخواستی به عنوان هنرمند پیشکسوت دارید؟

پدر: من از مسؤولان یک خواهش دارم، این‌که دیدی بازتر نسبت به این نوع نمایش‌های سنتی ایرانی داشته باشند و ارزش‌های آن را حس کنند و خصمانه با آن برخورد نکنند.

چون جنبه انتقادی این دست نمایش‌ها اتفاقا کارساز است. چون همه موضوعات که سیاسی نیست؛ موضوعات اجتماعی بیشتر است. حتی از روزنامه‌های پرتیراژ هم می‌خواهم حتی یک ستون هم شده هفته‌ای یک بار به نمایش‌ها و آیین‌های ایرانی اختصاص بدهند. من و امیرحسین و خیلی از دوستان‌مان این آمادگی را داریم در این زمینه با آنها همکاری کنیم. در ضمن از مسؤولان می‌خواهم با وجود این همه ساختمان و مکان مناسب یک جایی را هم برای نمایش‌هایی از این دست اختصاص بدهند.

از طرفی جایی که برای نمایش‌های ایرانی و سنتی در نظر می‌گیرند می‌تواند رستوران ایرانی با غذاهای سنتی و ایرانی هم ارائه کند. به خصوص به گردشگران خارجی که اغلب آشنایی چندانی با فرهنگ و آداب و رسوم و غذاهای ما ندارند، چنین مکانی برای آشنایی خارجی‌ها با ایران بسیار مناسب است. یعنی هم غذای جسم بدهیم و هم غذای روح.

... م. چون باید تابع دیگران باشی و کار کنی. من کارمند مخابرات بودم و ... ی آخر هم در آنجا فیلمسازی می‌کردم.

... می‌توانم بگویم پدر برخلاف عده‌ای همه عمرش را وقف این هنر کرد. ... نسان‌هایی مثل پدر باعث شدند حیات برخی نمایش‌های سنتی و ایرانی ... ان ادامه داشته باشد البته معتقدم کافی نیست، چون ما دیگر نسلی را ... که این راه را بتوانند درست دنبال کنند. همچنین مدرس، معلم و منبع ... به آن صورت نداریم که این راه بتواند به‌درستی به نسل‌های بعد منتقل ... و این‌که آن فرهنگ هم آن‌طور که باید در جامعه جاری و ساری نیست. ... ن افرادی مثل پدر باید باشند که این شکل از نمایش را به روز کنند. ... ای که نسل جدید هم بتواند با آن ارتباط برقرار کند.

کودکی عبدلی و اوستا

شنیده ایم برخی مواقع از خانه خودتان به عنوان لوکیشن استفاده کرده‌اید. آیا این موضوع صحت دارد؟

پدر: زمانی که بچه‌ها کوچک بودند، در برخی کارهایی که می‌ساختم، لوکیشن منزل خودمان بود. به همین دلیل بچه‌ها هم درگیر می‌شدند و بازی هم می‌کردند.

مادر: البته در کنار این‌که بعضی وقت‌ها لوکیشن خانه خودمان بود، ما بچه‌ها را خیلی به تئاتر می‌بردیم و آنها هم از تماشای تئاتر لذت می‌بردند و ما این اشتیاق را در وجود آنها می‌دیدیم.

چون ساکت و با دقت تئاتر می‌دیدند. در کل خانه ما خیلی محیط هنری داشت و ما هم خیلی آنها را تشویق می‌کردیم.

پسر: همان‌طور که پدر و مادر گفتند، لوکیشن اغلب کارهای بابا خانه خودمان بود و ما مستقیم آنها را می‌دیدیم.

حتی خاطرم هست یک انباری داشتیم که به معنای واقعی چیزی کمتر از آرشیو غزالی نداشت. تمام وقت من و برادرم هم در این انباری می‌گذشت و لباس‌های نمایش پدر را می‌پوشیدیم و بازی می‌کردیم. بعد از مدتی لباس‌های نمایش را می‌پوشیدیم و برای بچه‌ها، دوستان و هم‌سن و سال‌های‌مان در خیابان نمایش اجرا می‌کردیم.

مادر: بعدها برای‌شان لباس نمایش می‌دوختم، اما باز هم بچه‌ها لباس‌های پدرشان را دوست داشتند و می‌پوشیدند.

پدر: همان سال‌های ۷۵- ۷۴ که من «شبکه خنده» را می‌ساختم، یکی دو تا از داستان‌های‌مان این بود که عبدلی و اوستا به دوران کودکی‌شان بازمی‌گشتند. به همین خاطر امیرمحمد نقش کودکی من را بازی می‌کرد و پسر آقای پارسی نقش کودکی اوستا را.

مادر: چون امیرمحمد خیلی شبیه پدرش بود، این نقش را بازی کرد. من هم برایش مثل لباس عبدلی، لباس می‌دوختم.

اخبار

تله‌فیلم «قاسم» کلید خورد

حوریه مقدم، بازیگر و کارگردان تئاتر که به‌تازگی در فیلم تلویزیونی «قاسم» به کارگردانی قاسم‌عرب و تهیه‌کنندگی انرا سردابی مقابل دوربین رفته است، در گفت‌وگو با خبرنگار رادیو و تلویزیون صبا درباره این فیلم گفت: قاسم، یک فیلم با مضمون شهدا و دفاع مقدس است و من نیز در آن نقش متفاوتی را بازی می‌کنم.

او درباره علت پذیرفتن حضور در این اثر تلویزیونی بیان کرد: در این فیلم نقش یک دختر کولی و دوره‌گرد را بازی می‌کنم و به دلیل متفاوت بودن این کاراکتر تصمیم گرفتم در قاسم حضور داشته باشم.

بازیگر سریال «زیرخاکی» درباره موضوع این فیلم تلویزیونی عنوان کرد: این فیلم روایت یک مادر است؛ مادری که پس از گذشت سال‌ها همچنان در انتظار بازگشت پسر مفقودالاثرش است و هر سال برای رسیدن به این آرزو نذر می‌کند.

این بازیگر ادامه داد: در این فیلم تلویزیونی، در کنار بازیگرانی همچون رضا ایرانمنش، بابک نوری، فاطمه مرتاضی و علیرضا درویش بازی می‌کنم.

بازیگر سریال «کامیون» درباره این‌که چرا حرفه بازیگری را انتخاب کرده است، توضیح داد: به نظر من هنر مقوله‌ای است که همه جذب آن می‌شوند و در سرشت تمامی انسان‌ها در هر شاخه‌ای وجود دارد. من تمامی هنرها را دوست دارم و غیر از بازیگری در زمینه موسیقی و خطاطی هم فعالیت دارم، ولی از دوران کودکی به بازیگری علاقه‌مند بودم و از دوران مدرسه نیز در این رشته فعالیت می‌کردم.

او درباره سختی‌ها و شیرینی بازیگری افزود: وقتی نتیجه کار و رضایت مخاطبان را می‌بینم بسیار برایم لذتبخش است؛ هرچند باید کاملا وقف کار بود و در شرایط سخت نیز با این کار کنار آمد.

مقدم در پایان درباره هنر تئاتر گفت: تئاتر برای من بسیار جذاب و البته بسیار هم سخت است. ولی من به شخصه به سینما بیشتر از تئاتر علاقه دارم.

تله‌فیلم قاسم که با روایتی از یک مادر و انتظارش برای بازگشت پسر مفقودالاثرش به‌تازگی در تهران مقابل دوربین رفته است، به‌زودی روی آنتن شبکه سه سیما می‌رود.

ضبط «بازیمون» از سر گرفته شد

به گزارش جام جم، ضبط مرحله نیمه‌نهایی برنامه تلویزیونی «بازیمون» که به دلیل شیوع ویروس کرونا در کشور متوقف شده بود، آغاز شد. قرار است ۱۳ گروه چهار نفره که از میان ۴۰ گروه به نیمه‌نهایی راه پیدا کرده‌اند، به میزبانی سعید فتحی‌روشن به عنوان ذهن‌خوان با یکدیگر به رقابت بپردازند تا تکلیف قهرمان بازیمون مشخص شود.

قصه مرحله نیمه‌نهایی با قتلی رازآلود و معمایی آغاز می‌شود و گروه‌های باقیمانده باید یک‌به‌یک، رازهای این جنایت هولناک را حل کنند و به سعید فتحی‌روشن و پلیس یاری رسانند تا قاتل سریالی به دام بیفتد.

همچنین بازیگران جدیدی که همگی از استعدادهای مسابقه «عصر جدید» هستند، در نقش‌های متفاوت به نقشه کشف قتل‌های سریالی اضافه شده‌اند و مخاطبان قرار است با اتفاقات جذاب‌تر و متفاوت‌تری در نیمه‌نهایی روبه‌رو شوند.

«بازیمون» که کاری از گروه اجتماعی شبکه سه سیما به تهیه‌کنندگی و کارگردانی عباس اختری است، اولین برنامه تلویزیونی ایران با محوریت اتاق فرار (اسکیپ روم) و در قالب نمایش-مسابقه است که مدتی پیش روی آنتن این شبکه رفت.